

تاویل و تفسیر قرآن از نظر

علامه سید حیدر آملی

عارف نامدار شیعه قرن هشتم هجری

مرکز

نستوه چهارمین



کتابخانه

سرشناسه	: آملی، سید حیدر بن علی، ۷۲۰-۷۸۲ ق.
عنوان و نام پدیدآور	: تأویل و تفسیر قرآن از نظر علامه سید حیدر آملی (عارف نامدار شیعه قرن هشتم هجری)
مشخصات نشر	: / مترجم نستوه جهان بین، تهران: نشر علم، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۵۱۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۸۲۴-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۵۱۱-۵۱۲: همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع	: آملی، حیدر بن علی، ۷۲۰-۷۸۲ ق. -- دیدگاه درباره تفسیر
موضوع	: آملی، حیدر بن علی، ۷۲۰-۷۸۲ ق. -- دیدگاه درباره تأویل
موضوع	: تفسیر عرفانی -- قرن ۸ ق
موضوع	: Qur'an - Mystical Hermeneutics - 14th Century
شناسه افزوده	: جهان بین، نستوه، - مترجم
رده بندی کنگره	: BP ۹۱۲.۰۹ ت ۲۰۹۵
رده بندی دیویی	: ۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۳۲۱۶۴۰



شعاع

تأویل و تفسیر قرآن از نظر علامه سید حیدر آملی

(عارف نامدار شیعه قرن هشتم هجری)

مترجم: نستوه جهان بین

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: رامین

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانتفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۸۲۴-۷

فهرست

۱. مقدمه مترجم	۹
۲. دلیل تألیف کتاب	۱۷
۳. عنوان هائز مقدمات هفتگانه تفسیر	۲۰
۴. بحث اول: سبب آویدن مقدمات و دلیل محدودیت آنها به هفت مقدمه	۲۲
• مقدمه اول: تأویل، تعریف و تحقیق آن	۲۴
• مقدمه دوم: کتاب آفاقی و تطبیق آن با کتاب قرآنی	۲۷
- مقصود از رطب و یابس یا تر و خشک - در قرآن	۳۰
• مقدمه سوم: حروف الهی آفاقی و تطبیق آن با کتاب الهی قرآنی	۳۲
• مقدمه چهارم: کلمات الهی آفاقی و تطبیق آنها با کلمات الهی قرآنی	۳۵
- مقصود از کلمات آفاقی	۳۵
- إطلاق کلمه در قرآن به موجودات خارجی	۳۶
- مقصود از بی‌پایانی کلمات الهی	۴۶
• مقدمه پنجم: آیات آفاقی خداوند و تطبیق آنها با کلمات قرآن	۴۷
• مقدمه ششم: شریعت، طریقت و حقیقت	۴۹
• مقدمه هفتم: توحید، اصرار و حقایق آن	۵۱
- اسلام همان تسلیم است و برانگیختن پیامبران برای ظهور توحید در نوع انسان است	۵۲
۵. بحث دوم: کتابهای چهارگانه (دو کتاب تفسیر و دو کتاب تأویل مورد مراجعه مؤلف)	۵۴
- تفسیر به رأی جایز نیست	۵۵
• مقدمه اول: تأویل، تعریف و تحقیق آن	۶۲
۱. وجه اول: تأویل، تعریف و کنه آن و فرق بین تأویل حق و باطل	۶۲
- بیان اهل ظاهر و صاحبان علم شرع	۶۳
- نظر ارباب باطن و اهل طریقت	۶۶
- بیان آن که اصول حقایق سه چیز است: معرفت حق، معرفت جهان، معرفت انسان	۶۶
- تأثیر خواندن کتاب قرآنی جمعی و آفاقی تفصیلی	۶۷

- ۶۹ - تفسیر کتاب انفسی انسان، مسب تجلی حق است
- ۷۲ - صورت انسان زیباترین صورته‌ها و خلقتش زیباترین خلقتها است
- ۷۳ - نحوه مطالعه کتاب‌ها: قرآن، عالم و انسان
- ۷۴ - شناخت حق سبحان از راه مکاشفه و وجدان
- ۷۷ - مقصود از تأویل و تشریح دو کتاب آفاقی و انفسی
- ۸۲ - انسان نسخه کامل و صحیفه جامع است
- ۸۵ - مقصود از امانتی که به آسمان و زمین عرضه شد و انسان حمل آن را پذیرفت
- ۸۷ • بحث پنجم: شناخت اسباب قرائت این کتابها
- ۹۰ - بررسی تفسیر بر عرب
- ۹۲ - بیان سلوک محبت و محب
- ۹۳ - تقوا وسیله فیدان نوا حضرت حق به قلب متقین است
- ۹۶ • بحث دوم: سلوک محبت آن محبتی و محبوبی
- ۹۷ - بیان مصادیق محبوبین
- ۱۰۱ - بیان مصادیق انسانهای محب
- ۱۰۳ - انسان جامع جهانیان آفریده شده است: انسان به پنا و پنهان
- ۱۰۵ - حجاب‌های مخصوص محبت و ضرورت آنها
- ۱۰۸ - هر کس بر خلاف تقوا عمل کند، در زمره کسری است که خدا بر قلبهایشان مهر می‌زند
- ۱۱۳ - توضیح گروه‌های سه گانه: اصحاب شمال، یمن و سب، گم‌شان در کار خیر
- ۱۱۶ • بحث سوم: تقوا، مراتب و مدارج آن
- ۱۲۲ - اشاره به توحید های سه گانه: فعلی، صفتی و ذاتی
- ۱۲۳ - معنی احسان
- ۱۲۵ - مراتب دهگانه تقوا
- ۱۲۶ - اشاره به شرک جلی و شرک خفی
- ۱۲۸ - هدایت، مراتب و معانی آن
- ۱۳۱ - مقصود از کتاب در آیات قرآن
- ۱۳۵ • معنی قرآن و فرقان
- ۱۳۷ - مراتب سه گانه عقل: دارای عقل، دارای کشف و دارای عقل و کشف
- ۱۴۰ ۲. وجه دوم ضرورت عقلی و نقلی تأویل با تمسک به فرمایش خدا تعالی و کلام انبیاء و اولیائش (علیهم السلام)
- ۱۴۲ - قیامت کبری، وسطی و صغری
- ۱۴۵ - جنگ حضرت علی (علیه السلام) با معاویه جز برای تأویل قرآن نبود
- ۱۴۶ - مهدی (عج) مأمور به تأویل درست قرآن در زمان ظهورش می‌باشد

- ۱۴۸..... - سخن شیخ اکبر محیی‌الدین در ارتباط با ظهور حضرت مهدی
- ۱۵۰..... - آیات متشابه در قرآن و بیان ضرورت تاویل آنها
- ۱۵۴..... - برای قرآن ظاهر و باطنی است و بیان مقصود از بطن‌های هفت‌گانه
- ۱۵۹..... - درجات هشت‌گانه بهشت و درجات هفت‌گانه جهنم
- ۱۶۰..... - اقسام بهشت (افعال، صفات و ذات)
- ۱۶۴..... - علت، انحصار معانی قرآن به هفت مرتبه، انحصار گروه‌های خلق و مراتب عالم به هفت مرتبه است
- ۱۷۷..... - اسماء حجاب هستند و عالم، ظهور اسماء است و برای ذات اسمی نیست
- ۱۸۰..... - عالم اجسام ظاهری، رای عالم معناست
- ۱۸۱..... - صورتی متعارف در ذهن انسان، مثالی هستند برای درک چگونگی ترسیم خلق از حق تعالی
- ۱۸۴..... - ایجاد عالم در دو روز
- ۱۸۵..... - در وجود جز خدا نیست
- ۱۸۶..... - راه رسیدن سالک به حرارت، روح حجاب‌ها است
- ۱۸۷..... - هدف از خلقت، معرفت است
- ۱۸۷..... - مقصود از لقاء
- ۱۹۳..... - حجاب‌های ظاهری و معنوی
- ۱۹۴..... - نیروها در انسان به تعداد ملائکه در عالم است پس آنها قابل شناخت نیست
- ۱۹۵..... - دعوت انسان به شناخت نفس
- ۱۹۶..... - ائمه اسماء و تطبیق انفس و آفاق با قرآن
- ۱۹۸..... - تفاوت موجودات در مظهریشان برای اسماء ذات، صفات و فعل است
- ۱۹۹..... - تعداد اسماء ذات، صفات و افعال
- ۲۰۳..... • عالم و قرآن هفت طبقه می‌باشند
- ۲۰۳..... - تطبیق آفاق و انفس، با قرآن در کلمات اولیاء الهی
- ۲۰۵..... - قرآن و اسرارش و شرط قرائت و لمش
- ۲۱۴..... - بیان کبریت، یاقوت و تریاک
- ۳. وجه سوم: قرآن بحسب صورت بر ترتیب طبقات خلق است با این که برای آن از جهت معنی انتهاء و انقطاع نیست
- ۲۱۸.....
- ۲۲۱..... - مقصود از تکلیف و فرستادن پیامبران
- ۲۲۳..... - بعثت انبیاء از دو امر ناگزیر است: آوردن معجزه و کتاب آسمانی
- ۲۲۵..... - بر انبیاء نصب امام واجب است
- ۲۲۶..... - ضرورت وجود کتابی سرشار از مطالب مفید برای تمام طبقات مردم
- ۲۳۱..... - تقوا شرط فهم قرآن

- ۲۳۳..... - قرآن سبب شفاء است چنان که سبب شقاوت است
- ۲۳۵..... - وجوب بزرگداشت تمام موجودات آفاقی
- ۲۳۵..... - عالم تماماً مظهر اسماء خدای مبین باشد، حتی شیطان که مظهر اسم مضلّ است
- ۲۳۶..... - وجود خیر محض است و عدم شرّ محض و برای عدم تحقیق در خارج نیست
- ۲۳۷..... - اقتضای توحید فعلی این است که همه را خوب بینی
- ۲۳۷..... - قوای نفس همانند قوا و موجودات در آفاق هستند
- ۲۳۹..... - خیر و شر هر دو عین کمالند
- ۲۳۹..... - تقابل اسماء
- ۲۴۳..... ۴. وجه چهارم تائویل بعضی تشابهات و تطبیق آن با محکمات (فرق بین مشیت، علم، اراده، امر، جبر و قدر)
- ۲۴۳..... • مقاله اول: بعضی تشابهات و رفع اختلاف از قرآن عقلاً و نقلاً
- ۲۴۳..... - اختلاف و افتراق بین اسماء
- ۲۴۶..... - هدایت و ضلالت و اختیار و اراده بنده بستگی دارد
- ۲۴۷..... - تصور اختلاف در قرآن به سه فهم متصرف در آن بر می گردد
- ۲۵۱..... - اختلاف امت پیامبر رحمت
- ۲۵۳..... • مقاله دوم: تائویل قول خدای تعالی: «وَلَا يَزَالُ كَانَ لَكُمْ لِكُلِّ نَفْسٍ مِنْكُمْ مِنْ شَيْءٍ» (هود/۱۱۸)
- ۲۵۵..... - مشیت حق اختیار خلق را نفی نمی کند
- ۲۵۶..... - مشیت به معنی علم است، و مسلماً خدای سبحان در حق کافر کافران آگاه بود
- ۲۶۵..... - وجود هر شخص مطابق درخواست و طلب او با زبان استعدادش می باشد
- ۲۶۷..... • مقاله سوم: بررسی کلام خدای تعالی: «وَلَا يَزَالُ كَانَ لَكُمْ لِكُلِّ نَفْسٍ مِنْكُمْ مِنْ شَيْءٍ» (هود/۱۱۸ و ۱۱۹)
- ۲۶۷..... - آیا وجود اختلاف و کثرت در ماهیات به جعل جاعل است؟
- ۲۶۸..... - معلومات ازلیه نمی توانند معمول باشند
- ۲۶۹..... - عدم معمولیت اعیان ثابت و ماهیات معدوم
- ۲۷۱..... - اتحاد عقل و عاقل و معقول
- ۲۷۳..... - اعیان و ماهیات در علم حق به مانند حروف و ماهیت آن‌ها در ذهن نویسنده هستند
- ۲۷۴..... - اعیان و ماهیات از شئون ذات حق تعالی هستند و کمالات آن‌ها نامتناهی است
- ۲۷۸..... - درخواست اعیان ثابت برای وجود خارجی
- ۲۷۹..... - نقص و کمال اقتضای ذات سائل و قابل است و مطابق سؤال و قابلیت اوست
- ۲۸۳..... • مقاله چهارم: تطبیق متناقضات و تشابهات موجود در کلمات برخی آیات
- ۲۸۳..... - مقصود از وحدت مردم و اختلافشان و بیان تطبیق بین دو آیه کریمه

- ۲۸۵..... - مقصود از دو دستی که به خدای پاک و منزّه منسوب است
- ۲۸۶..... - مقصود از فرستادن پیامبران حل اختلاف مردم و هدایت آنهاست
- ۲۸۸..... - سبب اختلاف عقاید بین مردم
- ۲۹۰..... - معنی عدل و ظلم
- ۲۹۳..... - اختلاف در مظاهر، عین اتفاق در حقایق است
- ۲۹۸..... - معانی هدایت و تطبیق آیات متناقض درباره هدایت
- ۳۰۰..... - ملاک استحقاق ثواب و عقاب، عمل است و هدایت و عدم آن نیز به عمل وابسته است
- ۳۰۵..... - تطبیق بین "فراموشی خدا" در آیات و معنی "فراموشی" در آنها
- ۳۰۶..... - سخن گفتن خدای سبحان و ملائکه و انبیاء و کفار در روز قیامت
- ۳۰۹..... - تخصیص حیوان
- ۳۱۰..... - نگاه به خداوند در روز قیامت
- ۳۱۲..... - مقصود از چهره پروردگار در قیامت
- ۳۱۳..... - مقصود از دمیّد روح
- ۳۱۴..... - مقصود از نفس خدا
- ۳۱۴..... - مقصود از دست خدای سبحان در قرآن
- ۳۱۷..... - مقصود از کنار خدا
- ۳۱۸..... - مقصود از شنوایی خدا
- ۳۱۹..... - مقصود از آمدن پروردگار
- ۳۲۰..... - مقصود از چیرگی پروردگار بر عرش
- ۳۲۳..... ۵. وجه پنجم: تأویل مخصوص راسخان در علم است
- ۳۲۳..... • بحث اول: در اثبات اختصاص تأویل به اهل بیت و تابعین ایشان
- ۳۲۴..... - مقصود از اولی الامر
- ۳۲۵..... - اثبات مقام عصمت حضرت علی (ع)
- ۳۲۸..... - اثبات عصمت اولی الامر و وجوب مطابقت از ایشان
- ۳۲۷..... • بحث دوم: اثبات پاکی و عصمت اهل بیت و اثبات مناسبت بین ایشان و قرآن و حقایق آن
- ۳۴۹..... - توجه به غیر از خدا مخالف تجرد روح و بریدن از غیر خدا به سوی خدا است
- ۳۶۵..... • بحث سوم: تأویل از جهت عقل، نقل و کشف تنها به مهدی (عج) اختصاص دارد
- ۳۶۵..... - عصر ظهور مهدی، عصر ظهور تأویل
- ۳۷۴..... • بحث چهارم اثبات اختصاص تأویل به اهل بیت و تابعین آنها به وجوه دیگر
- ۳۷۵..... - تقسیم علوم از جهت ظاهر و باطن
- ۳۹۲..... - فرق میان رسالت و نبوت

- ۳۹۷..... علی (ع) علمش را از پیامبر گرفت و علمش علم لدنی نام است و بیان وجوه گوناگون علم ایشان
- ۴۲۲..... آیات و روایات وارده در حق اهل بیت
- ۴۳۸..... علم ارثی مخصوص اهل بیت و منحصر در ایشان است
- ۴۴۰..... هیچ نفعی در نسبت ظاهری با پیامبر و فرزندانش وجود ندارد، وقتی که نسبت معنوی در بین نباشد
- ۴۴۱..... نسبت معنوی با اهل بیت شرط انسان بودن
- ۴۴۲..... دلایل دیگری برای اختصاص تأویل به اهل بیت
- ۴۴۴..... استناد خرقة مشایخ صوفیه به اهل بیت
- ۴۵۳..... مقصود از خرقة و اساس سلوک
- ۴۵۴..... پیامبر به اسما، جلال و جمال الهی آراسته است
- ۴۵۵..... منظور از خرقة هزار میخ
- ۴۵۷..... معرفی مؤلف کتاب
- ۴۵۷..... نسبت مؤلف کتاب، امامان
- ۴۵۸..... سیر مؤلف کتاب در مسیر تفسیر عل و کمال
- ۴۶۱..... اجازه فخرالمحققین به مؤلف کتاب و تعبیر کردن از او به زین العابدین دوم
- ۴۶۵..... اجازه نامه مؤلف کتاب، برای خواندن فصول و نازل الساترین
- ۴۶۷..... ۷. اهل بیت از نگاهی دیگر
- ۴۷۲..... عدد دوازده در عوالم بالا و پایین
- ۴۷۵..... نظریه اهل توحید در تعداد ائمه
- ۴۷۷..... رأس معارف سه چیز است: شناخت حق، شناخت آفاق و شناخت انفس
- ۴۸۷..... احادیث وارده، در ارتباط با ایشان (اهل بیت)، تعداد و نامهایشان
- ۴۹۱..... معرفی ائمه از زبان شیخ جمال الدین
- ۵۱۱..... فهرست منابع

مقدمه مترجم

این کتاب بیانگر مبانی یک قرائت عرفانی، با رویکرد شیعی از کتاب حکیم قرآن است. عرفان در یک تعریف ساده ولی گویا « معرفت نفس یا خود شناسی است » که از طریق آن شخص عارف هم می‌تواند چنین معرفتی را مقدمه معرفت و تقرب به پروردگار نفس قرار دهد و هم می‌تواند از این دانش برای ارضای اغراض و اهداف خود استفاده کند. بر این اساس عرفان به دو شاخه الهی و غیر الهی تقسیم شده است. حضور عرفان الهی در جمع معارف اسلامی نه تنها تردید ناپذیر است بلکه می‌توان گفت اصل و هدف غایی معارف اسلام، تربیت نفس و تقرب به پروردگار از این طریق است. این موضوع در اثر تالیفی اینجانب با عنوان « بررسی ضابطه مندی کمال انسان در قرآن » به اثبات رسیده است.

عارفان مسلمان کوشش فراوانی کرده اند که مبانی دانش خود را با محتوای نصوص اسلامی خصوصا کتاب حکیم قرآن مستند کنند. این کوشش غالبا توسط عارفان سنی مذهب در جریان بوده است که در رأس آن‌ها شیخ ابوالدین ابن عربی (متوفی به سال ۶۳۸ هجری قمری) در آثاری نظیر فصوص الحکم و فتوحات مکیه است. می‌توان به جلد گفت پس از ایشان تمامی کسانی که در این وادی کوشیده اند از خرمین معارف ایشان بهره برده اند. کوشش مؤلف شریف این کتاب علامه سید حیدر آملی - متولد در دهه دوم از قرن هشتم هجری قمری و متوفی در حدود ۷۹۵ هجری قمری - که مشهورترین عارف شیعه است - از این قاعده مستثنا نیست اما مزیت نسبی آثار متعدد ایشان - خصوصا کتاب مورد ترجمه - کوشش برای پر رنگ تر کردن جایگاه معارف اهل بیت عصمت و طهارت در خزانه معارف عرفانی اسلام است.

این کوشش نیز بدون سابقه نیست و پیش از ایشان بزرگانی چون محی الدین نیز متوجه اهمیت معارف عمیق و جایگاه ویژه اهل بیت در تعالیم عرفانی اسلام شده اند و از ایشان و معارف بجا مانده از ایشان بهره‌های بسیار برده اند اما شاید مزیت کار علامه سید حیدر نسبت به مؤلفان سنی مذهب در این است که ایشان بر این نکته تأکید

فراوانی دارند که درک معرفت و عرفان حقیقی جز از طریق اهل بیت عصمت میسر نیست و هر طریق دیگری ناقص است و در اثبات این نکته جلد بلیغی مبذول داشته است.

علامه سید حیدر آملی در ابتدای تفسیر و تأویل خود بر قرآن، هفت مقدمه نوشته است. کوشش ایشان در تفسیر و تأویل قرآن به وسیله آیت الله سید محسن موسوی تبریزی تصحیح و تحقیق و تعلیق و به زیور طبع آراسته شده است. ایشان در پاورقی شماره ۱ها، جلد نخست بیان می‌کند که این مجموعه در نسخه‌های گوناگون اسامی متفاوت دارد، اما ایشان نام «تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم» را از بین تمامی نام‌ها ترجیح داده‌اند. ترجمه پیش رو برگردان از عربی به فارسی مجلد ششم از مجموعه شش مجلد این اثر است.

مؤلف در این جلد، سبب خرد را «جامع تأویل و تفسیر» دانسته است (ص ۱۹۵) و پیش از ورود به مقدمات یاد شده، با بیان شیوه تفسیر و تأویل خود و امتیاز آن نسبت به سایر کتب تفسیری و تأویلی موجود، بی این مقدمات بر مقدمات را در سه بخش ارائه می‌کند:

۱. علت پرداختن به مقدمات و دلیل انتخاب آنها در هفت مقدمه

۲. تطبیق تأویل

۳. دلیل اختصاص توحید به اهل بیت (علیهم السلام) و برتری ایشان بر دیگران در تأویل و تفسیر قرآن و اختصاص صفت «رسول» به ایشان و بیان برتری ایشان از نظر فهم صورت و معنای قرآن بر دیگران در تمامی موارد.

* همچنین به توضیح منابعی می‌پردازد که در کار خود از آنها بیشترین استفاده را کرده است و آنها را در چهار منبع خلاصه می‌داند، دو منبع تفسیری شامل مجمع البیان و کشاف و دو منبع تأویلی شامل تأویلات ملا عبدالرزاق کاشانی و شیخ نجم الدین رازی و استفاده خود از این منابع را حداقل می‌داند و هدف خود از مراجعه به این کتابها

را این می‌داند که آنها از نظرگاه‌های مختلف بیان شده‌اند و مراجعه به آنها در حقیقت مقایسه نظرهای مخالف در کنار نظر نویسنده است، تا از این طریق اختلاف نظرات مشخص شود و در پایان نظرگاه حق از سوی مؤلف ارائه گردد. مؤلف مطالب بیان شده از سوی خود در تفسیر و تأویل قرآن را غالباً متکی به دانش حصولی و حضوری می‌داند که از سوی خداوند به او عنایت شده است و به این دلیل خود را بی‌نیاز از مراجعه به نظر دیگران می‌داند (ص ۲۳۳).

مؤلف در این قسمت به اجمال به هفت مقدمه ای می‌پردازد که بیان آنها را برای ورود به تأویل و تفسیر قرآن ضروری می‌داند، که عبارتند از:

- (۱) تأویل، تعریف، تحقق آن.
- (۲) توضیح کتاب آفاقی و تطبیق آن با کتاب قرآنی.
- (۳) توضیح حروف آفاقی خدا و تطبیق آن با حروف قرآن.
- (۴) توضیح کلمات آفاقی خدا و تطبیق آن با کلمات قرآن.
- (۵) توضیح آیات آفاقی خدا و تطبیق آن با آیات قرآن.
- (۶) توضیح شریعت، طریقت و حقیقت.
- (۷) توضیح توحید اسرار و حقایق آن.

مؤلف بر این باور است که هر کس بخواهد تأویل قرآن را به روش اهل الله و ارباب توحید بنویسد از ارائه این مقدمات هفتگانه ناگزیر است و این مقدمات را اساسی برای بنای رفیع تأویل قرآن و لازمه درک اسرار و لطایف آن می‌داند و این شبهه در مورد بحث را عنایتی از جانب خدا در حق خویش می‌داند که تا قبل از او سابقه نداشته است (ص ۲۰۲).

مؤلف در کتابی که پیش رو دارید به ارائه مقدمه خود بر مقدمات هفتگانه و مقدمه نخست که عبارتست از «تأویل، تعریف و تحقیق آن» می‌پردازد و مطالب را با این عناوین بیان می‌کند:

۱. بیان تأویل و تعریف و تحقیق آن و فرق بین تأویل حق و باطل.

۲. بیان این که تأویل قرآن عقلا و نقلا واجب است .
۳. بیان این که مراتب قرآن با تمامی ترتیب طبقات خلق مطابقت دارد، به همراه این توضیح که قرآن به حسب معنی بی پایان است.
۴. بیان برخی متشابهات قرآن و تطبیق آنها با محکّمات همچنین تبیین مفاهیم: مشیت، اراده، علم، امر، جبر، قدر در قرآن.
۵. بیان اینکه تأویل مخصوص به علماء و راسخین در علم از اهل بیت رسول خدا و دارندگان توحید است و نه کس دیگر.

بحث تأویل در نزد عارفان اسلامی پس از محیی الدین ابن عربی از این نقطه کانونی شکل می گیرد که هر مرتبه از عالم هستی صورت یا ظهوری از عالم یا عوالمی برتر است و عارفان برای درک فایده هستی می کوشند که به ظاهر اکتفا نکرده و به بواطن راه یابند و این سیر را «مرور حقیقه الحقایق» یعنی ذات لایزال الهی بی توقف ادامه دارد. این روش کسب معرفت در مواجهه ایشان با قرآن نیز دنبال می شود زیرا ایشان جهان، انسان و قرآن را یک حقیقت می بینند که در سه صورت ظهور یافته اند و درک حقایق و بواطن هر یک امکان فهم حقیقت متناهی را بگیری را فراهم می کند. از آنجا که مبنای سیر و سلوک عارفانه معرفت نفس است معرفت نفس در نزد ایشان جز با رفع حجاب ها از حقیقت نفس میسر نمی شود لذا فهم قرآن و «تأمل» فهم جهان از منظر ایشان جز با شناخت نفس از طریق رفع حجاب ها، دفع تعلقات، عادات، خرافات و توهمات میسر نیست. چنین فرایندی در ادبیات قرآن «تزکیه» نام دارد که منجر به پاکی نفس شده و آن را مستعد درک معارف و تقرب به حضرت حق می کند. قرآن در این خصوص می فرماید:

إِنَّ لِقْرَانَ كَرِيمٍ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

تنزیل من رب العالمین (واقعه (۵۶) ۷۷ تا ۸۰)

به درستی که [حقیقت] این قرآن کریم در کتابی نهفته

است که جز پاکان آن را لمس نمی کنند و [آن حقیقت]
از سوی پروردگار دو جهان [به صورت وحی] نازل
شده است .

این آیات گواهند که حقیقت قرآن در کتابی که از فهم بشر بالاتر است قرار دارد و خدا از لطف خویش آن حقیقت را به زبان بشری تنزل داده است و تنها پاکان یعنی کسانی که جان خود را از هر پلیدی دور کرده و به گوهر خویش دست یافته اند، توان لمس حقیقت قرآن را دارند. حال این سؤال پیش می آید که این پاکان چه کسانی هستند؟ روشن ترین مصداق در این خصوص آیه زیر است:

إِنَّمَا يَرَى اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ
يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا (احزاب (۳۳/۳۳))

خدا می خواهد که تنها از شما اهل بیت پلیدی را دور
کند و شما را به پاکی کاملی برساند.

مطابق نظر شیعه و سنی، اهل بیت کسی در رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) و آل او (علیهم السلام) نیستند.

علامه سید حیدر در طول این کتاب به شیوه های مختلف تفسیری، کلامی، فلسفی، روایی، نجومی، اعداد و عرفان کوشیده است تا مطالب الهی را تبیین کند. با این اوصاف، به نظر رسید ترجمه مجلد نخست می تواند مستقل از سایر مجلدات به درک دیدگاه تفسیری و تأویلی عارفان خصوصا عارفان شیعه به علاقمندان فارسی زبان کمک کند لذا این مجلد با عنوان «تأویل و تفسیر قرآن از نظر علامه سید حیدر آملی» تقدیم علاقمندان شد.

ایشان برای تبیین مطالب خود در این مجلد علاوه بر استناد به آیات و روایات از نظرات بزرگان حوزه های گوناگون بهره برده است از آن جمله حداقل بیست مورد به آراء و نظرات و اشعار محی الدین ابن عربی، سه مورد به شارح فصوص الحکم ابن عربی یعنی قیصری، دو مورد به آراء و نظرات محمد غزالی، دو مورد به آراء و نظرات

ملا عبد الرزاق کاشانی، یک مورد به آراء و نظرات ابوالفتوح رازی، در بحث از تقوا و مراتب و مدارج آن به نظرات خواجه عبدالله انصاری مراجعه کرده است، و اشعاری نیز از ابن فارض نقل کرده است. در بحث اعداد نیز به کتاب اخوان الصفا مراجعه کرده است و در باب فضایل اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) از جمال الدین بن مطهر مطلبی را مفصلاً نقل کرده است. مراجعات گویای آن است که منابع مورد استفاده ایشان منحصر در چهار منبع یاد شده نیست به علاوه ایشان بسیار تحت تأثیر آراء و نظرات محیی الدین ابن عربی و دنباله ایشان نظیر قیصری و عبدالرزاق کاشانی است.

اغلب مراجعات ابن اثر توسط آیت الله سید محسن موسوی تبریزی در پاورقی متن عربی این کتاب، مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته و بعضاً به شرح و توضیح آنها اقدام شده است که به هر صورت در ترجمه اثر لحاظ شده اند و توضیحات ایشان و دیگران به فارسی ترجمه شده است. مصحح برای جدا سازی و ایضاح بیشتر مباحث کتاب، در داخل پرانتز تیتراهایی به متن اضافه کرده است که همین شیوه غالباً در ترجمه استفاده شده است و برخی تیتراها که ترجمه همان کمتر ضرورت داشت از ترجمه حذف شده اند. زحمت مصحح محترم از این جهت تکمیل شده که ابتدا و انتهای نقل قول های مؤلف از دیگران در ترجمه مشخص گشته است. در مواردی که مترجم توضیحی لازم دانسته با علامت «*» در متن و پاورقی مشخص شده است و توضیحات با عنوان «مترجم» در پاورقی آمده است. هر کجا در متن ترجمه علامت «.» مشاهده شد، نشانه جا افتادگی متن در نسخه چاپی عربی است.

در ترجمه آیات از ترجمه آقایان: بهاء الدین خرمشاهی، فولادوند، الهی قمشه ای، آیتی و مکارم شیرازی و انصاریان استفاده شده است، و هر کجا عیناً ترجمه این بزرگواران نقل شده است، نامشان در پایان ترجمه داخل پرانتز آمده است. در ترجمه مطالب نهج البلاغه، ترجمه مرحوم دشتی و دکتر سید جعفر شهیدی مورد استفاده قرار گرفته است. در ترجمه مطالب محیی الدین ابن عربی از ترجمه محمد خواجوی استفاده شده است.

روش مترجم در تولید اثر حاضر که به دلیل صعوبت متن و مطالب و برخوردار بودن از

دانش‌های گوناگون که در سطور قبل به آنها اشاره شد، بیش از ده سال به طول انجامید از این قرار است که پس از ترجمه متن با استفاده از منابع مربوط حاصل کار به افراد مطلع و بعضاً اساتید این حوزه ارائه می‌شد و نظرات اصلاحی ایشان در ترجمه اعمال می‌گردید. بر این اساس جا دارد از همکاری و همراهی خالصانه همه کسانی که در این مسیر طولانی همراه بوده‌اند به ترتیب اهمیت نقشان - بر خلاف روش معمول - در همین مقدمه سپاسگزاری کنم. مراتب سپاسم را تقدیم دوست ارجمندم جناب آقای خسرو شاه محمدی نژاد می‌کنم که در مقابله متن ترجمه با متن عربی و ویرایش اولیه آن از ابتدا تا انتها همراهی کردند. سپس مراتب سپاسم را تقدیم دوست گرامی آقای محمد منجی خاندانی می‌کنم که در نیمه دوم مسیر در مقابله متن و رفع اشکالات همراهی کردند. همچنین مراتب سپاسم را تقدیم جناب آقای دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی می‌کنم که این اثر را به من معرفی کردند و ترجمه آن را پیشنهاد نمودند و در ابتدای کار در مقابله متن و رفع اشکالات همراه بودند. ایستادگی و دوستی از دوستانی یاد کنم که به صورت موردی مورد وثوق و رجوع این حقیر بوده‌اند. آن جمله: جناب آقای دکتر تقی رفیع، جناب آقای سید ضیاء حسینی فرد و جناب آقای دکتر محسن معینی و جناب آقای دکتر اسماعیل باغستانی و حجة الاسلام والمسلمین آقای احمد مستوفی.

حال که سپاسگزاری در مقدمه انجام شد، این مقوله را در اینجا تکمیل می‌کنم و مراتب سپاس خود را نثار دوستانی می‌کنم که در کارهای فنی این اثر همکاری کردند. جناب آقای مهندس مرتضی مفید و خانم نسیم گودرزی. در پایان سپاسم را نثار تمام کسانی می‌کنم که به نحوی در تعلیم و تربیت من نقش داشتند از آن جمله پدر و مادر عزیزم، همسر صبورم و کلیه معلمان و اساتید زندگیم.

نستوه جهان بین

هفتم تیرماه هزار و سیصد و نود و پنج

بیست و یکم رمضان هزار و چهارصد و سی و هفت